



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The share of rural women in the ownership of productive resources of households with migrant

ARTICLE INFO	EXTENDED ABSTRACT
<p>History Article:</p> <p>Received:</p> <p>Revised:</p> <p>Accepted:</p>	<p>Introduction: It seems that the migration of men to the city and the stay of women in the village creates extensive changes in the management and ownership of rural household assets from a gender perspective.</p> <p>Objectives: The present study examines the share of women in migrant households in the ownership of assets and the management of the family's productive resources.</p>
<p>Keywords:</p> <p>Individual migration of men, female villagers, asset management, ownership of production resources, Mashhad county</p>	<p>Methodology: In this study, the analysis unit of 289 rural women headed by a migrant household was identified in 22 villages of Mashhad county by snowball method and participated in completing the research tool. The research method is descriptive-analytical and in terms of research conditions it is survey and cross-sectional.</p> <p>Results and Discussion: The results showed that 19.4 percent of women with migrant guardians had no official ownership of their household property. Only 5.5% of women owned houses, 1% owned agricultural land, and 6.2% owned family-style livestock. Also, none of the women have independently owned cars, motorcycles, gardens and heavy family livestock. 71.3 percent of the surveyed women have identified their most important asset as the jewelry they use. In total, 26.6 percent of rural women are in charge of managing household production resources and 40.1 percent of women are in charge of household affairs when their husbands are absent. The most emotional support for women with migrant household heads was mother and sister and female relatives such as women of close relatives and women of neighbors. Faced with financial problems, women with migrant guardians are mainly supported by their husbands and fathers. Also, the most important informational and visual supporters of women with immigrant guardians, respectively; They are wife, mother, father, sister, brother and child.</p> <p>Conclusion: The results showed that considering that the type of migration was 78% of daily men, the control and ownership of production resources and household assets in the surveyed villages is still with the men of the family, and migration has not been able to change the traditional pattern of ownership and property of productive resources of rural households. to do Sponsor.</p>

Highlight:

Cite this article:



© The Author(s)

Publisher:



نشریه ساماندهی اقتصاد فضا

<https://sanad.iau.ir/journal/jose>



مقاله علمی

سهم زنان روستایی در مالکیت منابع تولیدی خانوارهای دارای سرپرست مهاجر

مشخصات مقاله	چکیده
<p>تاریخ دریافت:</p> <p>تاریخ بازنگری:</p> <p>تاریخ پذیرش:</p>	<p>بیان مسئله: به نظر می رسد که مهاجرت مردان به شهر و ماندن زنان در روستا تغییرات گسترده ای در مدیریت و مالکیت دارایی های خانوار روستایی از منظر جنسیتی ایجاد می کند.</p> <p>هدف: مطالعه حاضر به بررسی سهم زنان خانوارهای مهاجر در مالکیت دارایی ها و مدیریت منابع تولیدی خانواده می پردازد.</p>
<p>واژگان کلیدی:</p> <p>مهاجرت انفرادی مردان زنان روستایی، مدیریت دارایی، مالکیت منابع تولید، شهرستان مشهد</p>	<p>روش: در این مطالعه واحد تحلیل ۲۸۹ زن روستایی دارای سرپرست خانوار مهاجر بوده است که در ۲۲ روستای شهرستان مشهد به روش گلوله برفی شناسایی و در تکمیل ابزار پژوهش مشارکت نمودند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نظر شرایط پژوهش پیمایشی و مقطعی است.</p> <p>یافته ها و بحث: نتایج نشان داد ۱۹,۴ درصد زنان دارای سرپرست مهاجر هیچ مالکیتی به طور رسمی بر اموال و دارایی های خانوار خود نداشته اند. تنها ۵,۵ درصد زنان مالک مسکن، ۱ درصد مالک زمین زراعی، ۶,۲ درصد مالک دام سبک خانواده بوده اند. همچنین هیچ یک زنان به طور مستقل مالکیتی بر اتومبیل، موتورسیکلت، باغ و دام سنگین خانواده نداشته اند. ۷۱,۳ درصد زنان مورد بررسی عمده ترین دارایی خود را طلاهای زینتی مورد استفاده خود معرفی نموده اند. در مجموع ۲۶,۶ درصد زنان روستایی اداره منابع تولیدی خانوار و ۴۰,۱ درصد زنان اداره امور منزل را در زمان غیبت مرد برعهده دارند. بیشترین حمایت عاطفی زنان دارای سرپرست خانوار مهاجر مادر و خواهر و نزدیکان مونث مانند زنان بستگان نزدیک و زنان همسایه بوده است. در مواجهه با مشکلات مالی، زنان دارای سرپرست مهاجر عمدتاً توسط همسر و پدر حمایت می شوند. همچنین مهمترین حمایت کنندگان اطلاعاتی و مشورتی زنان دارای سرپرست مهاجر به ترتیب؛ همسر، مادر، پدر، خواهر، برادر و فرزند می باشند.</p> <p>نتیجه گیری: نتایج نشان داد با توجه به اینکه نوع مهاجرت ۷۸ درصد مردان روزانه بوده است، همچنان کنترل و مالکیت منابع تولید و دارایی های خانوار در روستاهای مورد بررسی، با مردان خانواده است و مهاجرت نتوانسته تغییری در الگوی سنتی مالکیت و دارایی منابع تولیدی خانوار روستایی ایجاد نماید.</p>
	<p>نکات برجسته:</p>

ارجاع به این مقاله

بیان مسئله

مهاجرت یکی از رایج ترین و موثرترین پدیده های اجتماعی است که می تواند در ساختار جمعیتی تغییر ایجاد کند و به تبع آن در بروز تحولات اقتصادی اجتماعی فضاهاى مختلف جغرافیایی تاثیر بسزایی داشته باشد. "با رشد شهرنشینی و روند مدرنیزاسیون مهاجرت روستا به شهر بیش از پیش در کشور گسترش یافت (Alirezanejad & Bani-Hashemi, 2012: 81)". به طوری که نگاهی اجمالی به آمار نفوس و مسکن اولین سالهای سرشماری تاکنون، نشان می دهد مهاجرت از روستا به شهر در کشور همواره روندی افزایشی داشته و طی دهه های اخیر این نوع مهاجرت "جریان مسلط مهاجرت خالص در کشور بوده است. عموماً مهاجرین به خاطر اینکه فرصت های درآمدی و اشتغال در روستا ناکافی است، روستا را در جستجوی شغل و دستمزد ترک می کنند (Naqhdhi, 2014: 106)".

دائمی یا مهاجرت موقتی باشد. در شکل دوم مهاجرت (مهاجرت فصلی/موقتی)، جابجایی برای دوره کوتاهی صورت می گیرد و قصد کوچنده این است که به اقامتگاه عادی خود برگردد. به این نوع مهاجرت و جابجایی مهاجرت های ادواری، رفت و برگشتی، آونگی، فصلی و ... نیز گویند (Effati, 2003: 264). "در مهاجرت فصلی که الگوی غالب مهاجرت های روستاشهری در شهرستان مشهد است، زنان روستایی در روستا مانده و مردان به صورت موقت مهاجرت می کنند. در چنین شرایطی با جمعیتی از زنان و دختران روستایی مواجه هستیم که به ناگزیر بار مسئولیت معیشت و گذران زندگی خانواده بر دوش آنان افتاده است. این گروه به عنوان ساکنین پایدار مناطق روستایی عموماً مسئولیت بهره برداری از امکانات و منابع موجود در روستاها را نیز به عهده دارند.

طی سالهای اخیر موضوعات بحث برانگیزی پیرامون مناسبات جنسیتی در فضاهاى روستایی مطرح و مورد مطالعه قرار گرفته است. اما پدیده مهاجرت با تحلیل جنسیتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. "باید توجه داشت که تحلیل جنسیتی خود به تنهایی می تواند فهم عمیق تری را از ساختار جنسیتی اجتماع در فضای روستایی ارائه دهد (khani & chubchian, 2012: 139)". بی شک غفلت از نقش های جنسیتی در سکونتگاههای روستایی در تحلیل پدیده ها یکی از دلایل عمده ناموفق بودن پروژه های روستایی است و "زنان و به ویژه زنان روستایی نیازمند توجهات ویژه از جانب محافل آکادمیک و نیز سیاست گذاران و تصمیم گیرندگان توسعه" می باشند (Taleb & Firouzabadi & Piri, 2011: 136).

در حال حاضر بحث در مورد زنانه شدن اقتصاد روستایی به دلیل مهاجرت های روستاشهری که عمدتاً مردگزین است، در بسیاری از نقاط دیگر جهان در حال توسعه در جریان است. پتانسیل زنان روستایی در توسعه را می توان با دسترسی آنها به منابع تولید و قدرت تصمیم گیری و رفع موانع پیش روی، افزایش داد. زیرا زنان روستایی عوامل کلیدی توسعه هستند. آنها نقش کاتالیزوری را برای دستیابی به تغییرات اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی تحول آفرین مورد نیاز برای توسعه پایدار ایفا می کنند (UNWOMEN, 2013). اما بر اساس مطالعات مختلف، عدم مالکیت زنان به منابع تولیدی (عمدتاً زمین) و عدم کنترل بر منابع تولیدی چالش بزرگی برای زنان روستایی است. زنان روستایی، از جمله آنهایی که در خانواده های مهاجر زندگی می کنند، در دسترسی و مالکیت منابع تولیدی، به ویژه زمین، با موانع مهمی روبرو هستند. طبق گزارش سازمان خواربار و کشاورزی (FAO)، زنان روستایی در بسیاری از نقاط جهان، به دلیل تفاوت های جنسیتی در دسترسی به منابع تولیدی کلیدی، دسترسی محدودی به زمین دارند، زیرا مردان در طول تاریخ، در سیستم های عرفی مالکیت زمین، سرپرستی مالکیت زمین را بر عهده گرفته اند و زنان را از طریق مردان سرپرست خانوار با دسترسی محدودی به زمین باقی می گذارند (Shiri, 2021). فائو تخمین می زند که اگر کشاورزان زن (۴۳ درصد نیروی کار کشاورزی در کشورهای در حال توسعه) به اندازه مردان به منابع تولید دسترسی داشته باشند، تولید کشاورزی در ۳۴ کشور در حال توسعه به طور متوسط تا ۴ درصد افزایش می یابد. این امر می تواند تعداد افراد کم تغذیه را در این کشورها تا ۱۷ درصد کاهش دهد که به معنای کاهش ۱۵۰ میلیون نفری جمعیت گرسنه است (UNWOMEN, 2013).

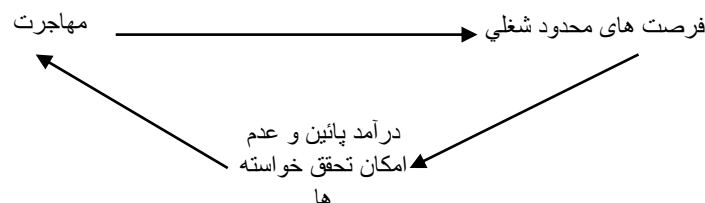
به طور کلی عدم دسترسی زنان به منابع تولید از جمله زمین، علی رغم نقش مهمی که در فعالیت های کشاورزی دارند، پیامدهای مهمی برای زنان روستایی دارد، زیرا مالکیت منابع تولیدی مانند زمین منبع اصلی درآمد، قدرت و امنیت اجتماعی است. زنانی که از حقوق مالکیت قوی تری در زمین برخوردارند، بیشتر به طور غیرمستقیم روی زمین های خود کار می کنند و از نیروی کار اجاره ای، کار خانوادگی و اجاره برای کسب درآمد استفاده می کنند و کمتر در سنین پیری یا در صورت فوت یا طلاق آسیب پذیر می شوند. علاوه بر این، زنانی که حقوق مالکیت قوی تری در زمین دارند، با کنترل بیشتر بر درآمد کشاورزی، سهم بیشتری از کسب و کار و درآمدهای بازار کار و دریافت مکرر اعتبار، احتمال بیشتری برای مشارکت در اقتصاد خانوار دارند. در حال حاضر زنان روستایی یک چهارم جمعیت جهان را تشکیل می دهند، آنها به عنوان نیروی کار ارتباط نزدیکی با شیوه های مختلف کشاورزی دارند و بیشتر کارهای

مراقبتی بدون دستمزد را در مناطق روستایی انجام می دهند (Behera et al., 2022). کشاورزان زن با تبعیض چند سطحی روبرو هستند، زنان روستایی یک نفر از هر چهار نفر روی زمین و به طور متوسط تقریباً نیمی از نیروی کار کشاورزی در کشورهای در حال توسعه را تشکیل می دهند. زنان نقش های حیاتی در امنیت غذایی ایفا می کنند که شامل کشاورزی، فرآوری مواد غذایی، بازاریابی و اطمینان از مصرف و تغذیه خانگی است (Cohen, 2023). با این اوصاف: تعداد زیادی از آنها از دسترسی به منابع تولیدی از جمله زمین محروم هستند.

در روستاهای مهاجرپرست اگرچه مسولیت های زیادی به زنان روستایی واگذار شده است، اما زنان و دختران روستایی سهم بسیار اندکی در دارایی های خانوار خود دارند. بر این اساس سوال اصلی تحقیق به این صورت مطرح می گردد که مدیریت منابع و دارایی های خانواده در غیاب مردان سرپرست خانوار بر عهده چه کسی است و سهم زنان چقدر از دارایی های خانوار است؟ همچنین با توجه به اینکه زنان خانوارهای مهاجر در غیاب همسر هر چند موقت، با مشکلات زیادی مواجه می شوند، برای برطرف کردن این مشکلات نه تنها نیازمند حمایت سایر اعضای خانواده خود و همسر هستند، بلکه اغلب نیازمند شبکه ای وسیع از دوستان و همسایگان و ... می شوند (Effati, 2003: 254). بنابراین سوال دوم تحقیق بدین صورت مطرح می گردد که شعاع حمایت زنان جامانده در روستا چه کسانی هستند؟

مبانی نظری

به طور کلی "مهاجرت های داخلی ایران تحت تأثیر اختلاف شدید بازده نهایی کار در نواحی شهری و روستایی و میان بخشهای مختلف اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و خدمات، در نواحی مختلف جغرافیایی و نیز کم کاری در بخش کشاورزی و کاهش اشتغال نیروی انسانی در روستاهاست، که نتیجه رشد بی رویه جمعیت، تغییر قیمتتها، استفاده از تکنولوژی سرمایه بر و نامناسب در روستاها برای بالا بردن قابلیت تولید می باشد". این عوامل "و نتایج مرتب بر آن باعث سرازیر شدن جمعیت روستایی به شهرها، یا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و یا از بخش کشاورزی به بخشهای صنعت و خدمات متمرکز شده در شهرها گردیده است" (Javan, 2011: 362). با توجه به موارد مطرح شده به نظر می رسد "مهاجرت بی رویه، نتیجه ی دور تسلسلی از اجرای سیاست های غلط است که در بسیاری از موارد اتخاذ این سیاست های غلط نیز خود ناشی از وجود مهاجرین در یک منطقه و کاهش جمعیت در منطقه ی دیگر است" (Moghimzadeh, Akbari., & Servant, 2013: 6 quoted in Mashhadizadeh Dehaqani, N., 1995). بنابراین به نظر می رسد مهاجرت های روستا شهری در ایران تابع چرخه ذیل است. (شکل ۱).



شکل ۱. چرخه مهاجرت های روستا-شهری در ایران.

اصطلاح "دارایی" به چیزی اطلاق می شود که ارزش گذاری می شود. اموال بهتر و مفیدتر درک می شود نه به عنوان یک کالای ارزشمند یا حتی به عنوان روابط بین افراد و کالاهای ارزشمند، بلکه به عنوان روابط بین افراد با توجه به کالاهای با ارزش (Pradhan et al., 2018: 1). دارایی ها افراد را قادر می سازد تا به شیوه های توسعه یافته فکر و رفتار کنند که افراد بدون دارایی نمی توانند. این تفکر و رفتار رشدی، مجموعه ای از قابلیت هارا ایجاد می کند و ممکن است در نهایت منجر به احساس آزادی در تصمیم گیری شود (Oladokun et al., 2019: 3).

به نظر می رسد مهاجرت مردان احتمالاً بر سهم زنان در مالکیت و مدیریت دارایی ها و منابع تولیدی خانواده موثر است. بر اساس رویکرد جنسیتی مهاجرت، مطالعاتی که تا به حال در زمینه مهاجرت انجام شده مختص مردان بوده و کمتر مسائل مربوط به زنان مانند دارایی های زنان در نظر گرفته شده است. این درحالی است که مهاجرت دارای ابعاد جنسیتی است. صاحب نظران و طرفداران این دیدگاه معتقدند که هرچند مهاجرت مردان از روستا به شهر بسیار مورد توجه بوده و در مورد آن تحقیق گسترده ای نیز انجام

شده، اما ابعاد جنسیتی مهاجرت به ویژه تاثیر آن روی مبدا مهاجرت تا حدود زیادی نادیده انگاشته شده است. به ویژه اینکه تابه حال توجهی به مطالعه نقش زنان خانوارهای مهاجر در مدیریت منابع تولیدی خانواده نشده است. به نظر می رسد که مهاجرت مردان به شهر و ماندن زنان در روستا دارای آثار متعددی بر مبدا مهاجرت به ویژه از بعد جنسیتی است که از جمله این آثار می توان به تغییر در مالکیت زمین و سایر منابع تولید نام برد. متاسفانه اطلاعات موجود در این زمینه کم است. اطلاعات آماری مهاجرت روستا به شهر به تفکیک جنسیت در دسترس نیست و اطلاعات موجود در زمینه خانوارهای روستایی دارای سرپرست زن محدود است. اینچنین خلاءهای اطلاعاتی موجب شده است که تصمیم گیرندگان و دست اندرکاران از اهمیت این موضوعات در سیاستگذاری آگاهی نیابند و در برنامه ها جنسیت را به مثابه یک متغیر مهم مهاجرت در نظر نگیرند.

"با توجه به منابع مورد بررسی و همچنین دیدگاهها و نظریات موجود در این زمینه، می توان گفت که مهاجرت مردان و ماندن زنان در روستا موجب پذیرش نقش های جدید، وارد شدن زنان به کار کشاورزی و دامداری، افزایش مسئولیتهای زنان در زمینه های مختلف، تغییر روابط خانوادگی، تغییر در روند تصمیم گیری داخل خانواده و تغییر در وابستگی زنان به شبکه وسیع اقوام، دوستان و همسایگان گردیده است. به اعتقاد کارکردباوران، مهاجرت موجب تغییرات جدید در نقشها می شود. این تغییر نقش ها می تواند در هر دو گروه سرپرستان خانوار مهاجر یا زنان جامانده در روستا صورت گیرد. طرفداران رویکرد جنسیتی معتقدند که مهاجرت مردان به شهر و ماندن زنان در روستا دارای آثار متعدد بر مبدا مهاجرت به ویژه از بعد جنسیتی است که از جمله این آثار می توان تغییر در مالکیت زمین و افزایش تعداد خانوارهای سرپرست زن، تغییر در نظامهای زراعی، نیروی کار زراعی روستا، تنوع درآمد و مدیریت در روستا، تغییر در روابط خویشاوندی و ساختار خانواده ... نام برد." (Effati, 2003: 262-263).

تحقیقات نشان می دهد جوامع گوناگون، نقش ها و مختصات زنان و مردان را متفاوت از یکدیگر و گاهی کاملاً مغایر با هم توصیف می کنند. در تقسیم کار سنتی که بر مبنای جنسیت صورت می گیرد، معمولاً جامعه از مردان انتظار دارد که وسایل معیشت خانواده را فراهم آورند. از این رو مردان در بیرون خانه به کار تولیدی می پردازند و متقابلاً از زنان انتظار می رود که در خانه کار کنند. قبول این تقسیم کار سنتی که بر مبنای جنسیت صورت می گیرد، مسأله آفرین است. بررسی ها نشان می دهد که مردان و زنان هر دو به کار تولیدی دست می زنند، اما کار در خانه به عنوان کار عمده زنان باقی می ماند. به همین دلیل است که برنامه های ملی توسعه، دانسته یا ندانسته، توسعه اقتصادی و اجتماعی مردان را مدنظر دارند، زیرا مردان به عنوان تولیدکنندگان اصلی جامعه شناخته می شوند (Azkia & Imani, 2008: 149-150). بدین ترتیب ملاحظه می شود که از یک سو در عرصه واقعیت و در جریان مشارکت زن و مرد در کارهای تولیدی و از سوی دیگر در طرح برنامه های توسعه، شکافی عمیق پدید می آید. بسیاری از این برنامه ها، بر نقش زنان در کارهای خانه تأکید می ورزند و تلاش های تولیدی ایشان را مورد غفلت قرار می دهند. بدین ترتیب برنامه ریزی توسعه نه تنها باید توجه خود را به رشد هدف های بزرگ معطوف دارد، بلکه باید به سیاست ها، برنامه ها و استراتژی هایی که بر این هدف ها و مخصوصاً مردم آسیب پذیر و حاشیه می پردازند توجه کند و مسأله جنسیت یا تفاوتی را که جامعه بین مردان و زنان قائل گردیده است، به خوبی دریابد. نظر به اینکه برنامه های توسعه به طور ضمنی بر منافع مردان متمرکز است، برنامه ریزی پاسخ به جنسیت، باید بیش از پیش به نیازهای زنان و به ویژه زنانی که وابسته به خانواده های کم درآمد هستند و از فقر رنج می برند، پاسخ گوید (Azkia et al., 2008: 149-150; Sarhadhi, 1993). لازم به ذکر است که برای تسهیل مطالعات جنسیتی، مجموعه ای از روش ها تحت عنوان «تحلیل جنسیتی» شکل گرفته است. مثلاً با استفاده از ابزار تحلیل جنسیتی به نام «تقویم تفاوت وظایف جنسیتی»، می توان پی برد که چه کسی چه کاری را انجام می دهد. در اغلب کشورها وظایف مردان روستایی در دوران جوانی و بزرگسالی زیاد است. مردان مسن تر به امور درون خانه نیز رسیدگی می کنند. به طور مشابهی، کار دختران از سنین پایین آغاز می شود و مسئولیت های آنان با بزرگ شدنشان افزایش می یابد. زنان در بزرگسالی کاملاً به سمت فعالیت های تولیدی کشیده می شوند و حتی در سالخوردگی نیز هنوز در امر تولید اشتغال دارند" (khani et al., 2012: 147).

زنان روستایی برای دستیابی به منابع تولیدی از جمله زمین، آب و منابع مالی که برای بهره وری و امنیت غذایی آنها حیاتی است، با چالش های متعددی روبرو هستند. زنان با تفاوت های جنسیتی قابل توجهی در دسترسی و کنترل بر زمین مواجه هستند که اغلب توسط هنجارهای قانونی و فرهنگی که مالکیت زمین و حقوق ارثی آنها را محدود می کند، تقویت می شود. در برخی فرهنگ ها، زنان به عنوان مالک زمین شناخته نمی شوند و دسترسی آنها به زمین اغلب از طریق شوهران یا اقوام مردشان انجام می شود. همچنین زنان روستایی با عدم دسترسی به منابع و خدمات تولیدی دیگر از جمله اعتبار، پس انداز، وام، بیمه و زیرساخت ها مواجه هستند که

برای بهره‌وری کشاورزی و توانمندسازی اقتصادی آنها حیاتی است^۱. متأسفانه هنجارهای فرهنگی و کلیشه‌های جنسیتی اغلب دسترسی زنان به منابع تولیدی از جمله زمین، آب و منابع مالی را محدود می‌کند. زنان اغلب واجد شرایط کمتری برای سرمایه‌گذاری در تولیدات کشاورزی تلقی می‌شوند و سهم آنها در بخش کشاورزی اغلب به رسمیت شناخته نشده یا کم ارزش می‌باشد (Dwomoh et al., 2023). نیز عدم مالکیت زنان بر دارایی‌هایی که می‌توانند به عنوان وثیقه برای وام استفاده شوند، دسترسی آنها به خدمات مالی را که برای بهره‌وری کشاورزی و توانمندسازی اقتصادی حیاتی است، محدود می‌کند. در کنار همه این مسایل زنان اغلب در سیاست و تصمیم‌گیری کمتر نمایندگی می‌شوند، که توانایی آنها را برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و برنامه‌هایی که دسترسی آنها به منابع تولیدی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، محدود می‌کند. این در حالی است که زنان روستایی اغلب زمان قابل توجهی را صرف کارهای مراقبتی بدون مزد می‌کنند که توانایی آنها را برای شرکت در فعالیت‌های درآمدزا و دسترسی به منابع تولیدی محدود می‌کند. آنها اغلب از سطح تحصیلات و آموزش کمتری نسبت به مردان برخوردارند، و این توانایی آنها را برای دسترسی و استفاده مؤثر از منابع تولیدی محدود می‌کند. لذا بهبود دسترسی زنان روستایی به منابع تولیدی برای دستیابی به امنیت غذایی، کاهش فقر و ارتقای برابری جنسیتی حیاتی است. این امر مستلزم پرداختن به عوامل زیربنایی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که دسترسی زنان به منابع تولیدی را محدود می‌کند و آنها را برای مشارکت کامل در بخش کشاورزی توانمند می‌سازد (Ajadi, 2015).

به طور کلی نابرابری‌های اجتماعی از موانع ساخته شده اجتماعی برای دسترسی به منابع تولیدی و مالی ناشی می‌شوند که مانع مشارکت اجتماعی و نمایندگی سیاسی نیز می‌شود. هنجارهای مردسالارانه که منجر به عدم تعادل قدرت بین زنان و مردان می‌شود، برای زنان در کشاورزی، به ویژه در حقوق زمین (قطعه‌های کوچک، مشکلات دسترسی به مالکیت، حقوق تبعیض آمیز ارث)، منابع تولیدی (عدم دسترسی به بازارهای اعتباری، خدمات ترویجی یا نهاده‌ها)، آسیب‌هایی را برای زنان ایجاد می‌کند (Sexsmith et al., 2017). این در حالی است که زنان در خانوارهای مهاجر فرست نسبت به زنان در خانواده‌های غیرمهاجر فرست نقش بیشتری در تصمیم‌گیری خانوار ایفا می‌کنند (Pradhan et al., 2019: 11). دارایی به طور گسترده به عنوان یک منبع مهم برای توانمندسازی زنان شناخته شده است. بنابراین، بسیاری از سیاست‌های توسعه در سرتاسر جهان خواستار تقویت حقوق زنان بر مالکیت، به ویژه دارایی‌های فیزیکی مانند زمین و دام است. با این حال، رابطه بین مالکیت و توانمندسازی زنان به دلیل همپوشانی و ماهیت پویای حقوق مالکیت، پیچیده تر از آن چیزی است که معمولاً تصور می‌شود (Pradhan et al., 2019: 4). در مطالعات مختلف تایید شده که مالکیت دارایی تأثیر بسزایی بر رفاه زنان دارد و یک ورودی کلیدی در دستیابی به رفاه زنان روستایی است (Oladokun et al., 2019: 13). (جدول ۱).

جدول ۱ نظریه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در برنامه توسعه زنان را نشان می‌دهد.

دیدگاه	رویکرد برنامه ریزی	نقش زنان	مشکلات	راه حلها
رفاه (Welfare)			فقر زنان	ارائه خدمات حمایتی در بهداشت، تغذیه، مهدکودک و ...
زن و توسعه	مبارزه با فقر (Anti-poverty)	تولید مثل	آسیب پذیر	طراحی و ایجاد طرح‌های خاص زنان
	خود اتکایی اقتصادی و خودکفایی			ترویج خوداتکایی
				کسب مهارتها
				طراحی و توسعه خوداشتغالی و صنایع خانگی
				ایجاد کسب و کار زنانه
کارایی (Efficiency)			نادیده گرفته شدن نیروی انسانی زنان	شناسایی نقش تولیدکنندگی زنان
		تولیدکنندگی	توسعه نیافته	بهبود و دسترسی زنان به اعتبارات
			عدم رشد اقتصادی	تکنولوژی، فناوری و سایر منابع
				ساختمان نابرابر بر مبنای جنسیتی
تساوی یا عدالت جنسیتی			باورهای تعصب برانگیز و	جمع‌آوری آمار تفکیکی جنسیتی

¹ . <https://www.un.org/womenwatch/feature/ruralwomen/overview-access.html>

تبعیض آمیز علیه زنان در	تولیدکنندگی	زن عامل توسعه	جنسیت و (Equality equality) توسعه
ارائه فرصت های مساوی در کلیه	مردسالاری	توانمندسازی	
زمینه های مختلف مثل	نهادینه شدن تبعیض علیه	توسعه (Empowerment)	
بخشها و زیربخشها در تمام سطوح(با	زنان در مراکز تصمیم گیر،	(نهادگرا)	
آموزش بهداشت، اعتبار، زمین	تصمیم ساز و سیاستگذارا		
تاکید بر سطوح مدیریتی)	عدم توسعه انسانی		
افزایش کنترل بیشتر زنان بر منابع	راهبردهایی برای ارتقای		
	آگاهی، حساسیت و تجهیز زنان و مردان		
	با شرایط مناسب قابلیت زا		

برگرفته از: ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۶۹.

پیشینه تحقیق

به طور کلی نقش زنان روستایی در مدیریت منابع تولیدی موضوعی قابل توجه در توسعه روستایی است. بررسی پیشینه داخلی نشان داد که تاکنون مطالعه ای که به بررسی نقش زنان روستایی در مدیریت منابع تولیدی خانوار بپردازد، مشاهده نشد و این مطالعه از این حیث، جدید است.

موکاتی و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در مطالعه خود نتایج نشان داد که اگرچه زنان اکثریت نیروی کار در کشاورزی را تشکیل می‌دادند، اما در تصمیم‌گیری دخالت نداشتند و مالک زمین نبودند، آنها فاقد وسایل کشاورزی بودند، از روش‌های کشاورزی ضعیف و قدیمی استفاده می‌کردند و در معرض تبعیض جنسیتی نهادینه شده بودند. اولادوکون و آدنگان^۲ (۲۰۱۹)، در مطالعه خود رابطه بین سطح مالکیت دارایی و محرومیت از رفاه زنان در روستاهای نیجریه مورد بررسی قرار دادند نتایج نشان داد که سطح داراییهای فیزیکی متعلق به زنان روستایی مانند تلفن همراه (۰۶۸،۷ درصد) و رادیو (۶۳،۵ درصد) بوده است در حالیکه فقط (۵،۹ درصد) دارای مالکیت زمین بودند. همچنین مالکیت دارایی تأثیر مثبتی بر محرومیت زنان از رفاه داشته است. گادیس و همکاران^۳ (۲۰۱۹) از داده‌های ۲۸ کشور در جنوب صحرای آفریقا استفاده کردند تا شکاف‌های بین مردان و زنان در مالکیت زمین و مسکن را مورد توجه قرار دهند و الگوهای بین کشورها و درون کشورها را تحلیل کنند. بر اساس نتایج بدست آمده، مردان سه برابر بیشتر از زنان مالکیت انحصاری بر دارایی دارند. مردان حتی پس از کنترل بسیاری از عوامل دیگر به طور قابل توجهی بیشتر از زنان دارای دارایی هستند. پرادان^۴ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقات خود در نپال، چگونگی تأثیر حقوق مالکیت بر توانمندسازی زنان در مراحل مختلف چرخه زندگی و مکان‌های اجتماعی مختلف، قومیت‌ها، ساختارهای خانوار و طبقه اجتماعی با تکیه بر تحقیقات قوم‌نگاری بررسی کردند. این مطالعه بر اساس الگوهای توانایی زنان و همچنین تمایل به اعمال حقوق خاص بر دارایی مشترک و شخصی در خانواده‌هایشان می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دسته‌های حقوقی حقوق مالکیت در نپال، حقوق متفاوتی را در مورد دارایی‌های مشترک در خانوارها در نظر نمی‌گیرند. به جای تأکید بر کنترل فردی بر دارایی‌ها برای توانمندسازی زنان، باید روابط اجتماعی پیرامون مالکیت در نظر گرفته شود تا بفهمیم زنان برای چه حقوقی ارزش قائل هستند و خواهان آن هستند. آدرینوی عبدالوهاب^۵ و همکاران (۲۰۱۶) دسترسی زنان روستایی در ایالت کوآرا نیجریه به منابع تولیدی مانند زمین، دام و سرمایه را به منظور تعیین سطح توانمندی اجتماعی-اقتصادی آنها ارزیابی کردند. نتایج نشان داد زنان روستایی تمایل به شرکت در فعالیت‌های اقتصادی سودمند دارند و مالکیت منابع تولیدی مانند زمین و دام می‌تواند معیشت آنها را افزایش دهد. این مطالعه دیدگاه متفاوتی را در مورد تأثیر و ارتباط تملک دارایی‌های فیزیکی در افزایش تنوع معیشت زنان و توسعه کلی معیشت روستایی ارائه می‌کند.

1. Mokati

2. Oladokun & Adenegan

3. Gaddis

4. Pradhan

5. Aderinoye-Abdulwahab

بررسی پیشینه خارجی نشان می‌دهد سهم زنان روستایی در مالکیت منابع تولیدی خانوارها در فرهنگ‌ها و مناطق مختلف متفاوت است. در فرهنگ یوروبا^۱، مردان نسبت به زنان دارای سهم بیشتری از منابع تولیدی هستند. اما زنان در فرهنگ نوپه^۲ نسبت به زنان یوروبا سهم بیشتری از مالکیت منابع تولیدی دارند. در تانزانیا و موزامبیک، زنان به طور متوسط در مقایسه با مردان دارای منابع تولیدی بسیار کمتری هستند و میانگین تعداد آنها به طور قابل توجهی کمتر از مردان است. در کنیا مردان ۱۰ برابر زنان گاو داشتند، در حالی که در تانزانیا مردان ۱۸ برابر زنان گاو داشتند، اما در موزامبیک زنان به ازای هر راس گاو متعلق به مردان ۰٫۸ راس داشتند. تصمیم‌گیری در مورد فروش منابع تولیدی نیز متأثر از جنسیت و فرهنگ است. مردان بر مالکیت تمام سرمایه تولیدی خانوار تسلط دارند. زنان بیشتر تصمیم به فروش دام و طیور کوچک می‌گیرند، در حالی که تصمیم برای فروش تمام سرمایه تولیدی دیگر توسط مرد گرفته می‌شود. علیرغم نقش مهمی که زنان در کشاورزی و امنیت غذایی ایفا می‌کنند، آنها همچنان بر طیفی از منابع تولیدی، از جمله آموزش، زمین، اطلاعات و منابع مالی تسلط ضعیف‌تری دارند. مؤسسات اقتصادی، ترویجی و سایر مؤسسات عمومی در اکثر کشورهای در حال توسعه دارای تعصب جنسیتی هستند و اغلب نیازهای زنان را نادیده می‌گیرند. بهبود دسترسی کشاورزان زن روستایی به منابع تولیدی مانند زمین، آب و منابع مالی می‌تواند بهره‌وری و امنیت غذایی کشاورزان زن را افزایش دهد. مالکیت زنان بر دارایی‌ها، قدرت چانه‌زنی، نقش آنها در تصمیم‌گیری خانواده و هزینه‌های مربوط به آموزش و سلامت کودکان را افزایش می‌دهد. شکاف دارایی‌های جنسیتی نیز شاخصی مهم برای توانمندسازی زنان است (Ajadi, 2015). همچنین در سطح جهانی، اگرچه تقریباً از هر ۲ کشاورز، ۱ نفر زن هستند اما زنان تنها ۱۵ درصد از کل زمین‌داران را تشکیل می‌دهند. زنان روستایی اگرچه به طرق مختلف به درآمد خانواده‌ها و رشد جوامع کمک می‌کنند، اما سهم آنها به دلیل دسترسی نابرابر به منابع و همچنین تبعیض مداوم و هنجارهای جنسیتی محدود است^۳.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش از نظر کنترل شرایط پژوهش، پیمایشی است و چون در یک مقطع زمانی معین صورت گرفته است، مطالعه‌ای مقطعی تلقی می‌شود و از آنجا که در مورد جمعیت نمونه معرف انجام می‌گیرد تا قدرت تعمیم‌پذیری داده‌ها فراهم شود، تحقیقی پهنانگر است. واحد تحلیل زنان روستایی دارای سرپرست خانوار مهاجر است. خانوارهای نمونه در هر روستا به روش گلوله برفی شناسایی و سپس بر اساس معیارهای تعریف شده در پرسشنامه مدیریت زنان بر منابع تولید مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات مورد نیاز در این بررسی با استفاده از روش‌های میدانی گردآوری شد.

محدوده مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه شهرستان مشهد است. این شهرستان در سال ۱۳۹۵ دارای ۳ بخش، ۱۱ دهستان با ۵۷۸ آبادی (۱۹۲ آبادی خالی از سکنه و ۳۸۶ آبادی دارای سکنه بوده است: Statistical Yearbook of Razavi Khorasan Province, 2013). (۷۴) با توجه به موضوع، جامعه آماری تحقیق روستاهای دارای نسبت جنسی پائین می‌باشد که مهاجرت مردان در این روستاها رایج است، لذا به کمک اطلاعات جمعیتی سرشماری نفوس و مسکن، نسبت جنسی کلیه روستاهای شهرستان استخراج شد، بر این اساس ۲۵،۳ درصد روستاهای شهرستان، معادل ۹۲ روستا دارای نسبت جنسی پائین بوده‌اند. به منظور تعیین حجم نمونه حدود ۲۵ درصد جامعه آماری (معادل ۲۲ روستا) به عنوان روستاهای مورد مطالعه تعیین و به طور تصادفی انتخاب شدند. روستاهای مورد بررسی دارای ۱۸۳۹ خانوار جمعیت بوده‌اند. به منظور تعیین حجم خانوارهای مورد بررسی از فرمول کوکران با ضریب خطای ۰،۰۵۳ استفاده و حجم خانوارهای مورد بررسی معادل ۲۸۹ خانوار روستایی دارای سرپرست مهاجر تعیین گردید. لازم به ذکر است که تعداد خانوارهای مورد بررسی در هر روستا بر اساس قاعده تسهیم به نسبت مشخص گردید (جدول ۲) و (شکل ۲).

جدول ۲. اطلاعات جمعیتی روستاهای نمونه تحقیق در شهرستان مشهد.

1 . Yoruba

2 . Nupe

3 . <https://www.ifad.org/en/web/latest/-/these-numbers-prove-that-rural-women-are-crucial-for-a-better-future>

بخش	دهستان	روستا	خانوار	تعداد مرد	تعداد زن	نسبت جنسی	تعداد نمونه
مرکزی	کنویست	خیرآباد	۱۹۶	۳۳۱	۳۷۰	۸۹	۱۹
	میان ولایت	هلالی	۷۱	۱۳۳	۱۵۲	۸۸	۱۴
		جلالی	۱۶۸	۳۰۲	۳۳۷	۹۰	۲۰
	کارده	سیج	۱۴۹	۲۱۶	۲۵۷	۸۴	۱۵
		گوش	۱۳۹	۱۷۸	۲۲۴	۷۹	۱۴
	تبادکان	کوشک آباد	۹۱	۱۲۳	۱۵۱	۸۱	۱۲
		کلاته قاضی	۲۲	۳۵	۴۰	۸۸	۷
احمدآباد	سرجام	ده سرخ	۱۵۶	۲۰۷	۲۴۶	۸۴	۱۶
	پیوه زن	بزوشک	۱۴۲	۱۸۶	۲۱۶	۸۶	۱۴
		بررود	۴۰	۶۰	۷۳	۸۲	۱۰
	آبروان	عبدالمجید	۳۸	۵۳	۶۳	۸۴	۱۰
		ایرش / ایرشک	۱۴۵	۲۰۰	۲۳۸	۸۴	۱۵
		زیارت	۸۲	۱۲۹	۱۵۰	۸۶	۱۴
	رضویه	تکروک سفلی	۲۷	۴۲	۵۳	۷۹	۱۰
حسین آبادگزیند		۴۲	۷۲	۹۰	۸۰	۱۲	
ماشوله		۳۷	۶۴	۷۴	۸۶	۱۲	
بیاروند		۳۳	۵۳	۶۸	۷۸	۱۲	
میامی		ناریند	۴۷	۵۸	۶۹	۸۴	۱۲
پائین ولایت		کلاته منار	۱۰۷	۱۸۰	۲۰۸	۸۷	۱۶
		دهنه چهل	۵۳	۹۷	۱۰۹	۸۹	۱۳
	بوته گز	۲۸	۴۰	۴۶	۸۷	۱۰	
جمع	بوته مرده	۲۶	۳۶	۴۵	۸۰	۱۲	
		۲۲	۲۷۹۵	۳۲۷۹	۸۴	۲۸۹	

برگرفته از: مرکز آمار ایران، مستخرج از نتایج عمومی نفوس و مسکن



شکل ۲. تقسیمات سیاسی شهرستان مشهد و موقعیت روستای مورد بررسی ۱۳۹۵.

یافته‌ها

در این مطالعه ۲۸۹ زن دارای سرپرست خانوار مهاجر در ۲۲ روستای شهرستان مشهد مورد بررسی قرار گرفت. میانگین سنی زنان پاسخگو ۳۷ سال و میانگین سنی همسران آنها ۴۲ سال می‌باشد. ۹۳٫۴ درصد پاسخگویان متأهل و مابقی بیوه یا مطلقه بوده‌اند. ۹۰ درصد، زنان پنج سال و کمتر از آن تحصیل داشته‌اند. میانگین سال‌های تحصیل زنان مورد بررسی ۳٫۳۸ سال است. تنها تعداد ۹۸ زن (معادل ۳۳٫۹٪)، دارای شغل درآمدزا بوده‌اند که از این تعداد، ۷۴ نفر (معادل ۷۵٫۵٪)، در بخش خدمات، تعداد ۱۴ نفر (معادل ۱۴٫۳٪) شاغل در بخش صنعت، و تعداد ۱۰ نفر (معادل ۱۰٫۲٪)، شاغل در بخش کشاورزی (عمدتاً دامدار) می‌باشند. از تعداد ۹۸ نفر شاغل زن، تعداد ۷۲ نفر (معادل ۷۳٫۵٪)، در خانه مشغول به کسب درآمد هستند. این افراد در فعالیت‌هایی مانند؛ پاک کردن زعفران، شکستن پسته، عروسک دوزی، بسته بندی کاغذی و درست کردن تسبیح و... مشغول به فعالیت هستند. ۲۵٫۵ درصد زنان شاغل دارای درآمد ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان در ماه و تنها ۶٫۱ درصد درآمد بیشتر از ۳۰۰ هزار تومان در ماه دارند. لازم به ذکر است که میانگین درآمد زنان شاغل ۱۳۰ هزار تومان در ماه می‌باشد. (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع فراوانی سن و تحصیلات زنان مورد بررسی

گروه سنی	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
کمتر از ۲۰ سال	۱	۰٫۳	بی سواد	۵۱	۱۷٫۶
بین ۲۰ تا ۲۹ سال	۵۷	۱۹٫۷	نهیض	۳۸	۱۳٫۲
بین ۳۰ تا ۳۹ سال	۱۲۰	۴۱٫۵	ابتدایی	۱۷۱	۵۹٫۲
بین ۴۰ تا ۴۹ سال	۸۷	۳۰٫۱	سیکل	۲۸	۹٫۷
بین ۵۰ تا ۵۹ سال	۲۲	۷٫۶	دیپلم و فوق دیپلم	۰	۰
بالتر از ۶۰ سال	۲	۰٫۷	لیسانس	۱	۰٫۳
جمع	۲۸۹	۱۰۰	جمع	۲۸۹	۱۰۰

برگرفته از: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

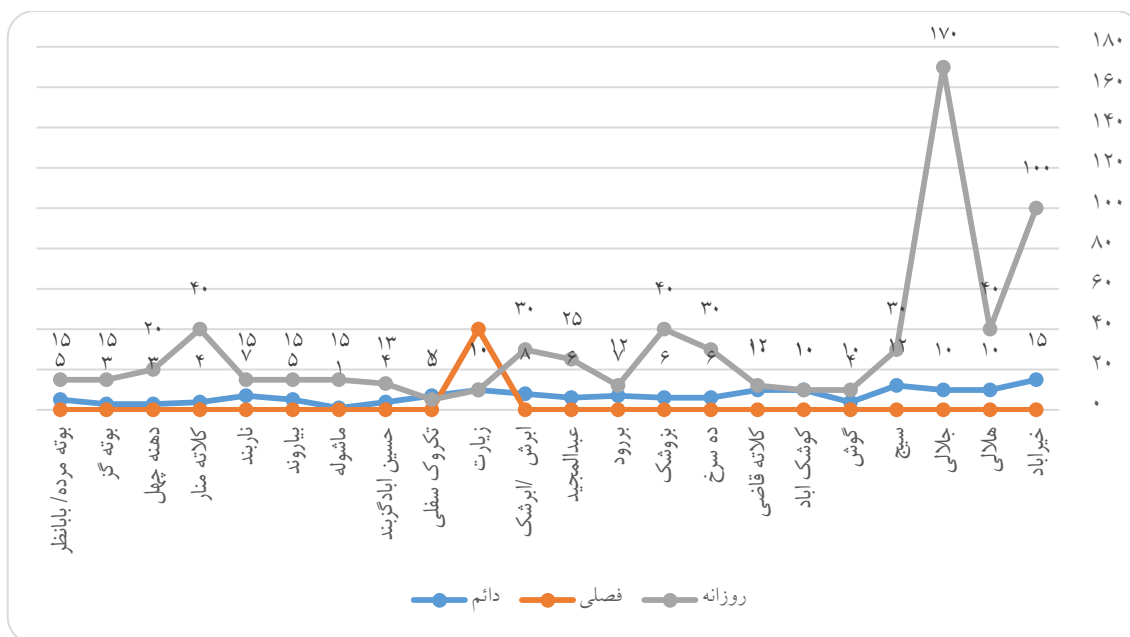
مطابق جدول زیر (۴)، و شکل (۳)، تعداد مهاجر دائم در روستاهای مورد بررسی ۱۵۳ مرد مهاجر، فصلی ۴۰ مرد مهاجر و روزانه ۶۷۲ مرد بوده است. بنابراین مشاهده می‌شود که اغلب مهاجران روزانه هستند. در بین مهاجران دائم، روستای خیرآباد با ۱۵ مرد و روستای ماشوله با ۱ مرد، به ترتیب بیشترین و کمترین مهاجر را داشته‌اند. بالا بودن نرخ مهاجرت در روستای خیرآباد به دلیل نزدیکی این روستا به شهر مشهد باشد. همچنین روستای زیارت با ۴۰ نفر برای مدت حدوداً ۱۰ ماه تنها روستایی است که بین روستاهای مورد مطالعه مهاجر فصلی دارد. طولانی بودن مدت مهاجرت افراد در روستای زیارت به این خاطر می‌باشد که این افراد برای کار به مناطق و شهرهایی مانند سرخس، تهران، کیش و... می‌روند. بیشترین مهاجرت روزانه نیز به ترتیب روستاهای جلالی است که ۱۷۰ مرد با ۶ روز در هفته و روستای خیرآباد که ۱۰۰ مرد با ۵ روز در هفته برای کار و امرار معاش به خارج از روستا می‌روند. این مهاجران روزانه مرد، بیشتر به صورت کارگران ساده و روزمزد هستند و اکثریت آنها اولویت اولشان برای کار و کسب درآمد، مشهد می‌باشد.

جدول ۴. ویژگی‌های مهاجران روستاهای مورد مطالعه ۱۳۹۵

نام روستا	مهاجر دائم	مهاجر فصلی	مهاجر روزانه
	تعداد	تعداد	چند روز در هفته
خیرآباد	۱۵	۰	۵
هلالی	۱۰	۰	۶
جلالی	۱۰	۰	۶
سیح	۱۲	۰	۵
گوش	۴	۰	۵
کوشک آباد	۱۰	۰	۶

کلاته قاضی	۱۰	۰	۰	۱۲	۵
ده سرخ	۶	۰	۰	۳۰	۵
بزوشک	۶	۰	۰	۴۰	۶
بررود	۷	۰	۰	۱۲	۶
عبدالمجید	۶	۰	۰	۲۵	۶
ابرش / ابرشک	۸	۰	۰	۳۰	۶
زیارت	۱۰	۴۰	۱۰	۱۰	۵
تکروک سفلی	۷	۰	۰	۵	۱۰
حسین ابادگزیند	۴	۰	۰	۱۳	۶
ماشوله	۱	۰	۰	۱۵	۵
بیاروند	۵	۰	۰	۱۵	۶
ناریند	۷	۰	۰	۱۵	۶
کلاته منار	۴	۰	۰	۴۰	۶
دهنه چهل	۳	۰	۰	۲۰	۶
بوته گز	۳	۰	۰	۱۵	۶
بوته مرده/ بابانظر	۵	۰	۰	۱۵	۶
	۱۵۳	۴۰	-	۶۷۲	

برگرفته از: یافته های پژوهش، ۱۳۹۵



شکل ۳. توزیع فراوانی مهاجران مرد و نوع مهاجرت در هر یک از روستاهای مورد بررسی ۱۳۹۵

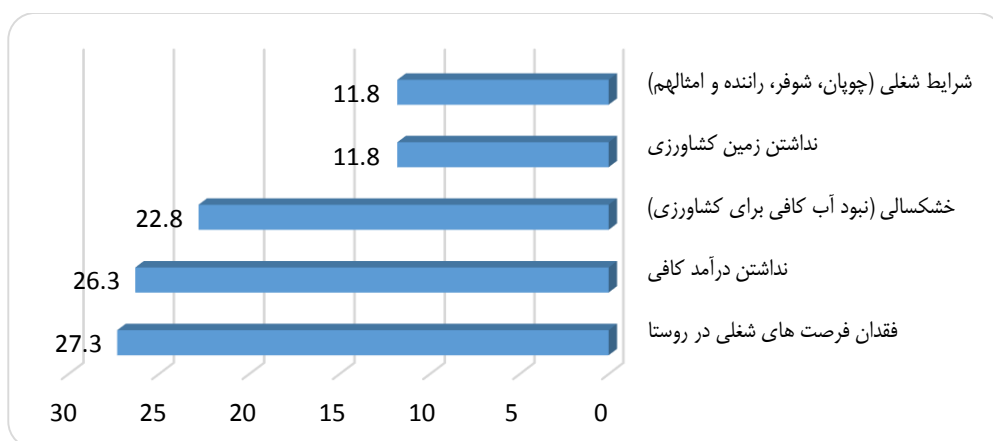
علت اصلی مهاجرت سرپرستان خانواده که همگی مرد هستند، فقدان فرصت های شغلی در روستا، با فراوانی ۷۹ نفر (معادل ۲۷,۳٪)، و بعد از آن نداشتن درآمد کافی با ۷۶ نفر (معادل ۲۶,۳٪)، و در اولویت سوم خشکسالی و نبود آب کافی برای کشاورزی با ۶۶ نفر (معادل ۲۲,۸٪)، می باشد. شکل (۴) علت مهاجرت سرپرستان خانواده به درصد را نشان می دهد(جدول ۵).

جدول ۵. علت مهاجرت سرپرستان خانواده

درصد	فراوانی	علت مهاجرت
------	---------	------------

۲۷,۳	۷۹	فقدان فرصت های شغلی در روستا
۲۶,۳	۷۶	نداشتن درآمد کافی
۲۲,۸	۶۶	خشکسالی (نبود آب کافی برای کشاورزی)
۱۱,۸	۳۴	نداشتن زمین کشاورزی
۱۱,۸	۳۴	شرایط شغلی (چوپان، شوهر، راننده و امثالهم)
۱۰۰	۲۸۹	جمع

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۵



شکل ۴. علت مهاجرت سرپرستان خانواده به درصد

اداره منابع تولیدی خانواده

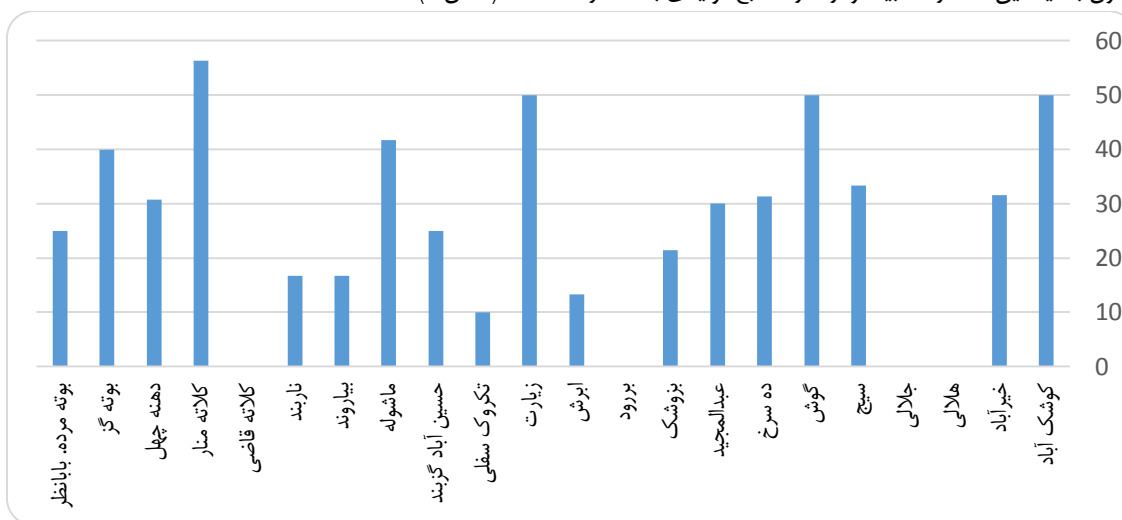
مطابق جدول زیر (۶)، تعداد ۱۴۴ زن (معادل ۴۹,۸٪) عنوان کردند که، اداره منابع تولیدی بر عهده مرد خانواده می باشد. اینها عمدتاً زنان خانوارهایی هستند که همسرشان به صورت روزانه مهاجرت می کند. ۲ نفر از زنان (معادل ۰,۷٪)، عنوان نموده اند که اداره منابع تولیدیشان توسط مادرشوهر صورت می گیرد. همچنین ۶۳ نفر از زنان (معادل ۲۱,۸٪)، از کل پاسخگویان نیز فاقد هرگونه منابع تولیدی بوده اند. بیشتر زنان با فراوانی ۱۲۹ نفر (معادل ۴۴,۶٪)، عنوان کردند که اداره امور منزل و کارهایی که در منزل توسط مردان صورت می گیرد، در هنگام حضور در خانه، توسط مردان انجام می شود. این امر با درصد بالای مهاجران روزانه قابل توجیه است. ۱۱۶ نفر از زنان پاسخگو خود امور منزل را در زمان غیبت مرد اداره می نمایند، ۱۰ نفر مادر شوهر این وظیفه را انجام می دهد، ۱۲ زن عنوان نموده اند که خانواده خودشان (دختر) این وظیفه را برعهده می گیرند و کمترین فراوانی با ۶ نفر (معادل ۲,۱٪)، عنوان کردند که اداره امور منزل در زمان غیبت مرد بر عهده برادر شوهر می باشد.

جدول ۶. اداره منابع تولیدی خانواده و اداره امور منزل در غیبت سرپرست خانوار

اداره منابع تولیدی	خانواده		اداره امور منزل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مرد	۱۴۴	۴۹,۸	۱۲۹	۴۴/۶
زن	۷۷	۲۶,۶	۱۱۶	۴۰/۱
پدرشوهر	۳	۱	۱۶	۵/۵
مادرشوهر	۲	۰,۷	۱۰	۳/۵
برادرشوهر	۰	۰	۶	۲/۱
خانواده زن	۰	۰	۱۲	۴/۲
فاقد منابع تولیدی	۶۳	۲۱,۸	-	-
جمع	۲۸۹	۱۰۰	۲۸۹	۱۰۰

مآخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۵

به طور میانگین تنها ۲۶ درصد زنان روستایی در هنگام غیبت مرد اداره منابع تولیدی خانواده را بر عهده دارند. همچنین ۴۰٫۱ درصد زنان خانوارهای روستایی اداره امور منزل را در زمان غیبت مرد بر عهده دارند. در روستای کلاته منار زنان با ۵۶٫۳ درصد اداره منابع تولیدی در زمان غیبت مرد بیشترین درصد را به خود اختصاص داده اند. در روستای کوشک آباد ۹۱٫۷ زنان اداره امور منزل در زمان غیبت مرد را بر عهده دارند. مشاهده می شود علی رغم غیبت مرد از روستا و خانواده هر چند به طور موقت، نقش زنان در اداره امور منزل با میانگین ۴۰ درصد بیشتر از اداره منابع تولیدی با ۲۶ درصد است. (شکل ۵).



شکل ۵. اداره منابع تولیدی در زمان غیبت مرد توسط زن در روستاهای مورد بررسی

میزان مالکیت زنان بر دارایی های خانواده

از مجموع زنان مورد بررسی ۵۶ زن معادل ۱۹٫۴ درصد هیچ مالکیت رسمی بر اموال و دارایی های خانوار ندارند. جدول زیر میزان مالکیت افراد در اموال و دارایی هایشان را نشان می دهد. بر این اساس؛ مالکیت منزل مسکونی با فراوانی ۲۱۳ (معادل ۷۳٫۷٪)، از کل پاسخگویان، متعلق به مرد خانواده (سرپرست) می باشد. کمترین فراوانی با ۱ نفر، پاسخگو مالکیت مشترک خانه مسکونی بین زن و مرد می باشد.

مالکیت اتومبیل (۵۷ نفر) ۱۰۰ درصد متعلق به مرد (سرپرست) خانواده می باشد. همچنین تعداد ۲۳۲ خانوار (معادل ۸۰٫۳٪)، که مابقی جامعه را تشکیل می دهند فاقد اتومبیل می باشند. تعداد ۶۹ نفر (معادل ۲۳٫۹٪)، مالک و دارای موتورسیکلت هستند که این مالکیت بطور کامل در اختیار مرد (سرپرست) خانواده می باشد. همچنین تعداد ۲۲۰ خانوار (معادل ۷۶٫۱٪)، نیز فاقد موتور می باشند. مالکیت زمین در مناطق روستایی به عنوان محل اصلی زندگی و تولید نقش محوری دارد (Gaddis et al., 2018: 4). مالکیت زمین زراعی با فراوانی ۷۳ خانوار (معادل ۲۵٫۳٪)، در تملک مرد (سرپرست) خانواده می باشد. کمترین میزان مالکیت با فراوانی ۳ خانوار (معادل ۱٪)، در اختیار زنان در خانواده می باشد. همچنین تعداد ۲۰۶ خانوار (معادل ۷۱٫۳٪)، فاقد زمین زراعی می باشند. مالکیت باغ با فراوانی ۱۲ خانوار (معادل ۴٫۲٪)، متعلق به مرد (سرپرست) خانواده می باشد، و تعداد ۲۷۷ خانوار (معادل ۹۵٫۸٪)، فاقد زمین باغی هستند.

زمین زراعی و باغی با بیشترین تعداد، ۱۴ خانوار (معادل ۴٫۸٪)، در مالکیت مرد (سرپرست) خانواده و تنها مالکیت در ۲ خانوار (معادل ۰٫۷٪)، برای خانواده مرد می باشد. این گروه شامل کسانی می شود که در انجام امور کشاورزی و باغداری و محصول سهیم هستند ولی مالکیت حقیقی بر زمین ندارند. همچنین تعداد ۲۷۳ خانوار (معادل ۹۴٫۵٪)، نیز فاقد زمین زراعی و باغی می باشند. لازم به ذکر است که زمین زراعی و باغی شامل زمین هایی می شود که کاربری زراعی و باغی بطور مجزا و جدا از هم برای آنها تعریف نشده و ندارند. به همین خاطر در کناره های زمین های زراعی درخت کاشته اند. مطالعات نشان می دهد در کشورهایی که زنان کمتر از مردان صاحب زمین هستند، احتمال مالکیت مسکن نیز از مردان کمتر است و بالعکس. زیرا در مناطق روستایی زمین و مسکن اغلب به عنوان یک دارایی ترکیبی در نظر گرفته می شود (Gaddis et al., 2018: 15).

بیشترین تعداد مالکیت گوساله و گاو با ۵ خانوار (معادل ۱,۷٪)، بطور مشترک بین زن و مرد می باشد. تنها در ۱ خانوار (معادل ۰,۳٪)، متعلق به خانواده زن می باشد. همچنین تعداد ۲۸۱ خانوار (معادل ۹۷,۲٪)، فاقد گاو و گوساله می باشند. بیشترین تعداد مالکیت گوسفند و بز با ۱۴۵ خانوار (معادل ۵۰,۲٪)، متعلق به مرد (معادل سرپرست) خانواده می باشد. کمترین میزان با فراوانی ۱۸ خانوار (معادل ۶,۲٪)، از کل پاسخگویان در مالکیت زنان می باشد. همچنین تعداد ۱۰۱ خانوار (معادل ۳۴,۹٪)، نیز فاقد گوسفند و بز هستند. طيور با بیشترین مالکیت ۱۳۵ خانوار (معادل ۴۶,۷٪)، در تملک مرد (سرپرست) خانواده قرار دارد. و تعداد ۱۵ خانوار (معادل ۵,۲٪)، بصورت مشترک مالکیت بین زن و مرد می باشد. همچنین تعداد ۱۱۶ خانوار (معادل ۴۰,۱٪)، از کل پاسخگویان نیز فاقد طيور می باشند. هیچ یک از خانوارهای مورد بررسی دارای کارگاه نبوده اند.

مالکیت اقلامی مانند طلا که وضعیت ثبت حقیقی و حقوقی بطور کامل ندارند و بیشتر به صورت هدیه می باشد، با فراوانی ۲۰۶ خانوار (معادل ۷۱,۳٪)، متعلق به زنان می باشد. همچنین تعداد ۸۳ خانوار (معادل ۲۸,۷٪)، نیز فاقد این نوع مالکیت می باشند. لازم به ذکر است تعداد ۳۳ نفر از زنان مالکیت بیشتر از یک مورد از موارد یاد شده در جدول زیر را دارند. (جدول ۷).

جدول ۷. وضعیت مالکیت زنان روستایی بر دارایی های خانواده

مالکیت	مرد	زن	مشترک	خانواده		مجموع	فاقد
				مرد	زن		
تعداد	۲۱۳	۱۶	۱	۴۳	۱۶	۲۸۹	۰
درصد	۷۳,۷	۵,۵	۰,۳	۱۴,۹	۵,۵	۱۰۰	۰
تعداد	۵۷	۰	۰	۰	۰	۵۷	۲۳۲
درصد	۱۹,۷	۰	۰	۰	۰	۱۹,۷	۸۰,۳
تعداد	۶۹	۰	۰	۰	۰	۶۹	۲۲۰
درصد	۲۳,۹	۰	۰	۰	۰	۲۳,۹	۷۶,۱
تعداد	۷۳	۳	۰	۷	۰	۸۳	۲۰۶
درصد	۲۵,۳	۱	۰	۲,۴	۰	۲۸,۷	۷۱,۳
تعداد	۱۲	۰	۰	۰	۰	۱۲	۲۷۷
درصد	۴,۲	۰	۰	۰	۰	۴,۲	۹۵,۸
تعداد	۱۴	۰	۰	۲	۰	۱۶	۲۷۳
درصد	۴,۸	۰	۰	۰,۷	۰	۵,۵	۹۴,۵
تعداد	۲	۰	۵	۰	۱	۸	۲۸۱
درصد	۰,۷	۰	۱,۷	۰	۰,۳	۲,۸	۹۷,۲
تعداد	۱۴۵	۱۸	۲۵	۰	۰	۱۸۸	۱۰۱
درصد	۵۰,۲	۶,۲	۸,۷	۰	۰	۶۵,۱	۳۴,۹
تعداد	۱۳۵	۲۳	۱۵	۰	۰	۱۷۳	۱۱۶
درصد	۴۶,۷	۸	۵,۲	۰	۰	۵۹,۹	۴۰,۱
تعداد	۰	۲۰۶	۰	۰	۰	۲۰۶	۸۳
درصد	۰	۷۱,۳	۰	۰	۰	۷۱,۳	۲۸,۷

برگرفته از: یافته های پژوهش، ۱۳۹۵

به طور میانگین ۵,۴ درصد زنان مورد بررسی مالک خانه مسکونی، ۰,۹ درصد مالک زمین، ۴,۴ درصد مالک گوسفند و بز و ۷,۸ درصد مالک طيور خانواده بوده اند. بیشترین مالکیت خانه مسکونی برای زنان در روستای تکرک سفلی با میانگین ۲۰ درصد می باشد. مالکیت زمین زراعی در بین پاسخگویان زن تنها در سه روستای خیرآباد، کلاته منار و دهنه چهل می باشد. بیشترین مالکیت بز و گوسفند برای زنان با میانگین ۲۵ درصد در روستای کلاته منار می باشد. بیشترین مالکیت طيور برای زنان با میانگین ۲۱,۴ در روستای گوش می باشد. نتایج بررسی ها نشان می دهد تنها ۷۳ نفر (معادل

۲۵,۳٪، از زنان دارای حساب بانکی و تعداد ۲۱۶ نفر (معادل ۷۴,۷٪)، از زنان نیز فاقد حساب بانکی هستند. جدول (۹). (جدول ۸).

ملاحظه می شود که در مالکیت و دارایی خانوار روستایی خطوط جنسیتی وجود دارد. شکافهای جنسیتی به طور برجسته در مالکیت زمین و دارایی مسکن، که دارایی های مهم و ابزار اصلی ذخیره ثروت در جوامع روستایی است، ظاهر می شود (Gaddis et al., 2018: 2).

جدول ۸. درصد مالکیت زنان روستایی بر اموال و املاک به تفکیک روستاهای مورد بررسی

نام روستا	مالکیت منزل مسکونی	مالکیت زمین زراعی	مالکیت گوسفند و بز	مالکیت طیور
کوشک آباد	۸,۳	۰	۱۶,۷	۱۶,۷
خیرآباد	۵,۳	۵,۳	۰	۰
هلالی	۱۴,۳	۰	۰	۷,۱
جلالی	۵	۰	۰	۱۰
سیح	۶,۷	۰	۰	۰
گوش	۰	۰	۰	۲۱,۴
ده سرخ	۶,۳	۰	۶,۷	۱۸,۸
عبدالمجید	۰	۰	۰	۱۰
بزوشک	۰	۰	۰	۰
بررود	۰	۰	۰	۰
ابرش	۱۳,۳	۰	۰	۶,۷
زیارت	۰	۰	۰	۰
تکروک سفلی	۲۰	۰	۰	۱۰
حسین آباد گزبند	۸,۳	۰	۱۶,۷	۲۵
ماشوله	۰	۰	۸,۳	۸,۳
بیاروند	۸,۳	۰	۸,۳	۸,۳
ناربند	۰	۰	۸,۳	۸,۳
کلاته قاضی	۰	۰	۰	۰
کلاته منار	۶,۳	۶,۳	۲۵	۱۲,۵
دهنه چهل	۷,۷	۷,۷	۷,۷	۰
بوته گز	۰	۰	۰	۰
بوته مرده. بابانظر	۸,۳	۰	۰	۸,۳

برگرفته از: یافته های پژوهش، ۱۳۹۵

شعاع حمایتی زنان روستایی

شعاع حمایتی مبین آن است که تا چه حد زنان روستایی دارای سرپرست مهاجر، فراتر از اعضاء خانواده ی خود، با گروه های مختلف اجتماعی (نظیر خویشاوندان، همسایگان، دوستان، آشنایان، همکاران، شورای روستا، خیرین و...) در ارتباط بوده و حمایت دریافت می کنند. شعاع حمایتی شامل شعاع حمایت عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی است.

"حمایت های درون گروهی: این حمایت ها در شبکه هایی یافت می شوند که همگون اند و پیوندهای قومی و صمیمی دارند (Firuzabadi, 2010: 7; quoted in Woolcock, 2002: 10) & Sadeghi, 2010: 7; حمایت درون گروهی شامل حمایت های عاطفی (محبت، اعتماد، همدلی، ...)، حمایت های ابزاری (هرگونه کمک مستقیم نقدی و غیرنقدی مانند قرض دادن، وقت گذاشتن، مراقبت از بیمار و...) و حمایت های اطلاعاتی (دریافت مشورت و راهنمایی)، بوده و در سه سطح تجربی خویشاوندان، همسایگان و دوستان مورد سنجش قرار گرفته است.

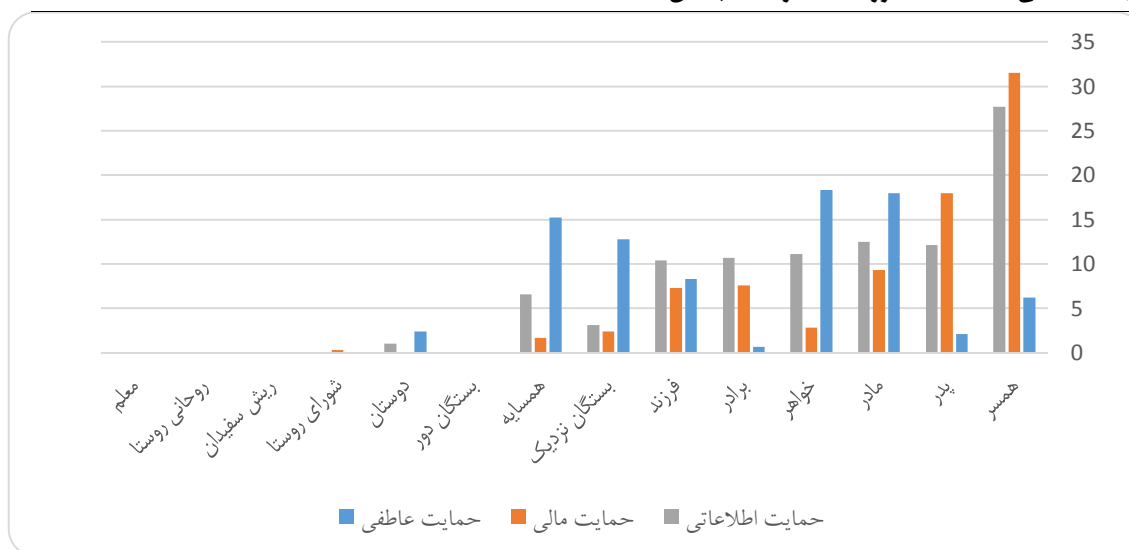
حمایت های بین گروهی: این حمایت ها در شبکه هایی یافت می شوند که ناهمگون اند، پیوندهای ضعیف دارند و روابط بیرون از پیوندهای نزدیک و قوی (ارتباط آشنایان) را شامل می شوند (Firuzabadi et al., 2010: 7). حمایت های مذکور فراتر از نیازهای روزمره بوده و با حمایت های مرتبط با پیشرفت و تحرک (نظیر دسترسی به فرصت شغلی، دریافت وام، داشتن آشنا در سازمان های دولتی و ...) سنجیده شده است (Firuzabadi et al., 2010: 7-8).

با توجه به جدول زیر مقایسه منابع حمایتی سه گانه، مشخص می کند که در میان سه نوع حمایت، بیشترین حمایت عاطفی زنان از سوی اعضای مونث خانواده (معادل مادر و خواهر) و نزدیکان مونث مانند زنان بستگان نزدیک و زنان همسایه صورت می گیرد. در رتبه های نخست نبودن حمایت مالی همسران می تواند به این خاطر باشد که معمولا همسران این زنان به دلیل شرایط مهاجرتشان نسبت به دیگران از حضور کم رنگ تری در خانه برخوردارند و این امر موجب پررنگ تر شدن حمایت های عاطفی از سوی دیگر گزینه ها شده است. در مواجهه با مشکلات مالی، زنان، همسر و پدر به ترتیب از بالاترین حمایت کنندگان مالی می باشند و این بدان معناست که زنان در هنگام مواجهه با مشکلات مالی افراد کمتری را برای کمک می شناسند. در مورد حمایت های اطلاعاتی و مشورتی نیز بیشترین حمایت کنندگان به ترتیب؛ همسر، مادر، پدر، خواهر، برادر و فرزند می باشند، که این نوع انتخاب بیانگر در اولویت بودن افراد اصلی خانواده زنان می باشد (جدول ۹) و (شکل ۶).

جدول ۹. توزیع فراوانی حمایت شونده در شمع حمایت عاطفی، مالی و اطلاعاتی به درصد

دایره حمایتی	حامی	حمایت عاطفی		حمایت مالی		حمایت اطلاعاتی	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
درون گروهی	همسر	۱۸	۶,۲	۹۱	۳۱,۵	۸۰	۲۷,۷
	پدر	۶	۲,۱	۵۲	۱۸	۳۵	۱۲,۱
	مادر	۵۲	۱۸	۲۷	۹,۳	۳۶	۱۲,۵
	خواهر	۵۳	۱۸,۳	۸	۲,۸	۳۲	۱۱,۱
	برادر	۲	۰,۷	۲۲	۷,۶	۳۱	۱۰,۷
	فرزند	۲۴	۸,۳	۲۱	۷,۳	۳۰	۱۰,۴
	بستگان نزدیک	۳۷	۱۲,۸	۷	۲,۴	۹	۳,۱
برون گروهی	همسایه	۴۴	۱۵,۲	۵	۱,۷	۱۹	۶,۶
	بستگان دور	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	دوستان	۷	۲,۴	۰	۰	۳	۱
	شورای روستا	۰	۰	۱	۰,۳	۰	۰
	ریش سفیدان	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	روحانی روستا	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	معلم	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کسی را ندارم	۴۶	۱۵,۹	۰	۰	۱۴	۴,۸	

برگرفته از: یافته های پژوهش، ۱۳۹۵



شکل ۶. شعاع حمایت عاطفی مالی و اطلاعاتی زنان روستایی دارای سرپرست خانوار مهاجر

بحث و نتیجه گیری

براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در ایران، زنان با بیش از ده میلیون نفر جمعیت از ساکنین اصلی روستاها محسوب می شوند. در چهار استان ایران نسبت جنسی در مناطق روستایی پایین تر از صد و در ده استان این نسبت کمتر از میانگین کشوری است. این بدان معناست که در ایران همانند بسیاری از کشورهای آسیایی علاوه بر مهاجرت خانوارهای روستایی به شهر، پدیده مهاجرت انفرادی مردان به صورت قطعی یا فصلی نیز وجود دارد. در ایران روند کاهش جمعیت روستایی که از دهه چهل آغاز شد، همچنان ادامه دارد، چنانکه در حال حاضر حدود ۳۰ درصد جمعیت در مناطق روستایی و حدود ۷۰ درصد آن در مناطق شهری زندگی می کنند. در سالهای اخیر این تحولات جمعیتی با تغییراتی در ساختار سنی و جنسی جمعیت شهری و روستایی نیز همراه بوده است، به طوریکه بیشتر افراد در سنین فعالیت روستاها را ترک می کنند و افراد سالمند و کودکان در مناطق روستایی باقی می مانند. همچنین مردان بیشتر از زنان روستاها را ترک کرده و در جستجوی کار و کسب درآمد به شهرها مهاجرت می کنند.

مشاهدات پژوهشگران و گزارش ها حاکی از آن است که در دو فصل بهار و تابستان که مهاجرت های فصلی افزایش می یابد، در بعضی از مناطق تا ۵۰ درصد خانوارهای روستایی با سرپرستی و مدیریت زنان فعالیت های کشاورزی دارند. در این زمان حتی فعالیت های سنگین کشاورزی مانند آماده کردن زمین، انبار کردن و سایر اموری که به طور معمول توسط مردان انجام می شود به علت عدم حضور مردان در روستا توسط زنان و دختران صورت می گیرد. در چنین شرایطی نقش زنان به عنوان ساکنین پایدار و اصلی مناطق روستایی اهمیت بیشتری می یابد.

با توجه بر یافته های پژوهش از مجموع زنان مورد بررسی ۵۶ زن معادل ۱۹،۴ درصد هیچ مالکیت رسمی بر اموال و دارایی های خانوار ندارند. تنها ۵،۵ درصد زنان مالک مسکن، ۱ درصد مالک زمین زراعی، ۶،۲ درصد مالک دام سبک خانواده خود بوده اند. همچنین هیچ یک زنان مورد بررسی به طور مستقل مالکیتی بر اتومبیل، موتورسیکلت، باغ و دام سنگین خانواده نداشته اند. ۷۱،۳ درصد زنان مورد بررسی عمده ترین دارایی خود را طلاهای زینتی مورد استفاده خود معرفی نموده و مالک آن هستند. در مجموع ۲۶،۶ درصد زنان روستایی اداره منابع تولیدی خانوار و ۴۰،۱ درصد زنان اداره امور منزل را در زمان غیبت مرد برعهده دارند. بیشترین حمایت عاطفی زنان دارای سرپرست خانوار مهاجر مادر و خواهر و نزدیکان مونت مانند زنان بستگان نزدیک و زنان همسایه بوده است. در مواجهه با مشکلات مالی، زنان دارای سرپرست مهاجر عمدتاً توسط همسر و پدر حمایت می شوند. همچنین مهمترین حمایت کنندگان اطلاعاتی و مشورتی زنان دارای سرپرست مهاجر به ترتیب؛ همسر، مادر، پدر، خواهر، برادر و فرزند می باشند. نتایج نشان داد فضای سنتی مردانه روستا، همچنان کنترل و مالکیت مردان را بر منابع تولید و دارایی های خانوار، علیرغم غیبت آنان از روستا تداوم بخشیده است. مقایسه منابع حمایتی مشخص می کند که در میان سه نوع حمایت، بیشترین حمایت عاطفی زنان از سوی اعضای مونت خانواده (معادل مادر و خواهر) و نزدیکان مونت مانند زنان بستگان نزدیک و زنان همسایه صورت می گیرد. در مواجهه با مشکلات مالی، زنان، همسر و پدر به ترتیب از بالاترین حمایت کنندگان مالی می باشند. در مورد حمایت های اطلاعاتی و مشورتی نیز حمایت کنندگان اصلی به ترتیب؛ همسر، مادر، پدر، خواهر، برادر و فرزند می باشند.

بسیاری از مطالعات نشان داده اند که مالکیت با شاخصهای عاملیت و قدرت تصمیم گیری مرتبط است. بی شک مالکیت، دسترسی و کنترل بر دارایی ها می تواند زنان را برای مشارکت بهتر در فرآیندهای تصمیم گیری هم در سطح خانواده و هم در سطح جامعه توانمند کند، اگر زنان به منابع دسترسی و کنترل داشته باشند و همچنین در برنامه هایی که برای آنها طراحی شده است مشارکت فعال داشته باشند، می توان گفت

که از نظر اقتصادی توانمند هستند. در این راستا سیاست گذاران باید با طراحی سیاست های مطلوب که به دسترسی به منابع کمک می کند، زنان را توانمند سازند. این مقاله گام مهمی به سوی درک بهتر شکاف های جنسیتی در مالکیت دارایی های زنان روستایی است و یاری گر تلاشهای تحلیلی آینده است.

حامی مالی

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان

در پژوهش مقاله مستخرج از رساله کارشناسی ارشد است،

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می دارند که هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

تقدیر و تشکر

نویسندگان، از همه افراد، به دلیل مشاوره و راهنمایی علمی و مشارکتشان در این مقاله تشکر و قدردانی می نمایند.

منابع

- Abbott, P., & Wallace, C. (2008). *Sociology of women*. Translated by Manije Najm Iraqi. Tehran: Ney.
- Aderinoye-Abdulwahab, S. A., Dolapo, A. T., Matanmi, B. M., & Adisa, R. S. (2016). Ownership of productive resources: a panacea for empowering rural women in Kwara state, Nigeria. *J Prod Agric Technol*, 12(1), 17-26.
- Ajadi, A. A., Oladele, O. I., Ikegami, K., & Tsuruta, T. (2015). Rural women's farmers access to productive resources: the moderating effect of culture among Nupe and Yoruba in Nigeria. *Agriculture & Food Security*, 4, 1-9.
- Alipour, K. (2012). *An analysis of rural-urban relations and the motivation of migration in Iran*. the fourth largest global scientific conference for students of geography. in April 2012, (pp12-1). Iran: Tehran. (in Persian)
- Alirezanejad, S., & Bani Hashem, F. (2012). *Gender and Development: A look at the demographic changes in rural areas of the country*, Iranian Journal of Social Studies 4(2), 93-81. (in Persian)
- Azkiya, M., & Imani, A. (2008). *Sustainable Rural Development (Vol. Second Edition)*. Tehran: Information Publications. (in Persian)
- Behera, B. K., Prasad, R., & Behera, S. (2022). *Healthcare Strategies and Planning for Social Inclusion and Development: Volume 2: Social, Economic, and Health Disparities of Rural Women*. Academic Press.
- Cohen, M. J. (Ed.). (2023). *Advances in food security and sustainability*. Elsevier.
- Dwomoh, D., Agyabeng, K., Tuffour, H. O., Tetteh, A., Godi, A., & Aryeetey, R. (2023). Modeling inequality in access to agricultural productive resources and socioeconomic determinants of household food security in Ghana: a cross-sectional study. *Agricultural and Food Economics*, 11(1), 24.
- Effati, M. (2003). Seasonal migration of rural women and men with an emphasis on social outcomes, *Cultural, cultural research*, the seventh year (6): pp. 292-245. (in Persian).
- Firuzabadi, S. A., & Sadeghi, A. (2010). Social Exclusion of Women in Poor Rural Areas of Iran: The Case of Malard Villages in Shahryar, Tehran Province. *Journal of Social Problems of Iran*, 1(1), (in Persian).
- Gaddis, I., Lahoti, R. S., & Li, W. (2018). Gender gaps in property ownership in Sub-Saharan Africa. *World Bank Policy Research Working Paper*, (8573).
- Javan, J. (2011). *Population geography of Iran*. Mashhad: Academic Jihad. (in Persian).

- khani, F., & chubchian, S. (2012). Gender relations in Rural Spaces and its Effects on Women's participation, a Comparative Study on Moreedan Rural District of Langerud City in Gilan Province and Rural District of Hooly from Paveh city in Kermanshah Province. *Journal of Rural Research*, 3(11), 113-137. (in Persian).
- Mashhadizadeh Dehaqani, N. (1995). An analysis of urban planning characteristics in Iran. Tehran: University of Science and Technology. (in Persian).
- Moghimzadeh, A., Akbari, A., & Servant, F. (2013). Effects of immigration and urbanization on economic development. In the first national conference on sustainable development of agriculture and a healthy environment. March 2011. pp. 1-9. (in Persian).
- Mokati, J. T. W., Ncube, A., & Bahta, Y. T. (2024). Is it really feminization of agriculture? The issue of household food security in Lesotho's southern Lowland District. *Journal of Asian and African Studies*, 59(2), 411-424.
- Naqhdī, A., & Rezaee, T. (2014). Study of Attitude and Social Behaviors of Marginalized Women in Ilam City (Case study: Bānbarz, Bānbūr, and Sabzi Ābād neighborhoods). *a scientific journal of ilam culture*, 15(42, 43), 103-119. (in Persian)
- Oladokun, Y. O. M., & Adenegan, K. O. (2019). Asset Ownership and Welfare Deprivation of Women in rural Nigeria: A bi-causal relationship. *Journal of Economics, Management and Trade*, 1-16.
- Pradhan, R., Meinzen-Dick, R., & Theis, S. (2019). Property rights, intersectionality, and women's empowerment in Nepal. *Journal of Rural Studies*, 70, 26-35.
- Pradhan, R., Meinzen-Dick, R., & Theis, S. (2019). Property rights, intersectionality, and women's empowerment in Nepal. *Journal of Rural Studies*, 70, 26-35.
- Sexsmith, K. (2017). Exit, voice, constrained loyalty, and entrapment: migrant farmworkers and the expression of discontent on New York dairy farms. In *Building Citizenship from Below* (pp. 35-49). Routledge.
- Shiri, M. (2021). Women's Land Ownership, The Engine for Rural Women Empowerment and Agricultural Development in Sub-Saharan Africa, This project is part of the U.S. Government's global hunger and food security initiative. <https://agrilinks.org/post/womens-land-ownership-engine-rural-women-empowerment-and-agricultural-development-sub-saharan>
- Statistical Center of Iran, General Census of Population and Housing, Personal settlements, (2013). <https://www.amar.org.ir/>(in Persian).
- Statistical Center of Iran, Khorasan Razavi Statistical Yearbook, (2013). <https://www.amar.org.ir/>(in Persian).
- Taleb, M., Firouz Abadi, A., & Piri, S. (2011). Studying the Problem of Poverty from the Standpoint of Rural Women and Girls (Case study: Gonbad Pirmohammad village-Ilam Province). *Woman in Development & Politics*, 9(2), 135-153. (in Persian).
- Woolcock, M. (2002). Social capital and development: concepts, evidence, and applications. In Powerpoint presentation, Workshop on understanding and building social capital in Croatia, Zagreb, Yugoslavia. World Bank and. Harvard University.